



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdiastan.

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

برگی از تاریخ ملت کرد : (3)

از : کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دایمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گرد آورنده : سرهنگ چیا

فصل نهم

کرد و دولت

6 - دوره دوم تاریخ کرد : از آغاز قرن شانزدهم تا اواسط قرن

نوزدهم ، نظام ملوک الطوائفی در ترکیه و ایران.

بخوانیم تا ببینیم و بدانیم : کی بودیم ؟ و ... کیستیم ؟ و ... چرا : پس از گذشت قرنها : هنوز (جامعه و

سرزمین) کرد، و **بویرژه** : جنبش یا جنبش های آزادی بخش ملی این ملت : (بزرگ و تاریخی) تحت نفوذ و سلطه شوم سیستم (فئودال - عشیره ای)!! حاکم، تغییر و تحولی نیافته و... همچنان و بخاطر خدمت و جلب رضایت دشمنان ایشان، این ملت نتوانسته و موفق نبوده است، جایگاه شایسته خود را در بین ملت های آزاد و امروزی جهان پیدا کند؟! از: چیا.

در این دوره دولتهای بزرگ عثمانی و ایران بطور قطع نظام و قوام یافتند و این امر موجب شد که کردان اقبال کمتری برای کسب استقلال داشته باشند. وقتی یازده تن از روسای کرد سنی مذهب در شهر خوی به حضور شاه اسماعیل موسس سلسله صفویه و شیعه متعصب رسیدند شاه اسماعیل تقریباً همه ایشان را به زندان انداخت و بجای آنان کسان را از هواداران خود را به حکومت محل امارت ایشان گماشت. برعکس، سلاطین عثمانی با سیاست مدبرانه تری با کردان رفتار کردند و نتوانستند ایشان را پس از جنگ چالدران (1514)، که در آن شکست سختی به ایرانیان وارد آمد، به سمت خود بکشند.

و در همان اوان بود که کردی را به نام **حکیم ادیس**، از امرای بتلیس، مامور شد تا هم نژادان خود را در سیستم حکومتی عثمانی وارد کند. او بدین گونه هشت "سنجان" : (بخش) در ایالت دیاربکر به دست آورد که بوسیله روسای کرد اداره می شدند : (اکراد به ی لغی) ؛ بعلاوه، پنج حاکم نشین کرد : (کورد حکومتی) نیز حکومت را در سلسله موروثی خود نگاه داشتند. این سیستم در تمامی کردستان ترکیه، از ملاطیه تا بایزید و شهرزور تعمیم یافت. سیاح ترک قرن شانزدهم، به نام اولیا چلبی، در این باره یک گواهی عینی برای ما نقل میکند : (رجوع شود به مقله کردان، نوشته **مینورسکی**، و رساله تحقیقی خود من درباره ملوک الطوائفی کدی، چاپ 1920).

میهن پرستان کر، از جمله ثریا بدرخان (رجوع شود به کتاب مسئله کردان در مقابله با ترکیه، چاپ 1928 پر-ینستون، صفحات 27-28) معتقدند که در سال 1514 یک پیمان دوستی و اتحاد مابین دولت عثمانی و بیست و سه امیر نشین کرد به امضا رسید. این مولف تاکید میکند که از تاریخ انعقاد آن معاهده تا مدتی بیش از یکصد و پنجاه سال کردان به تمام تعهدات خود در برابر دولت عثمانی عمل کردند، از جمله در همه جنگ های آن دولت با دشمنانش سر-کت جستند و دهها هزار نفر در این راه کشته شدند.

واقعیه بوجود آمدن دولتهای ایرد و عثمانی مشخص کننده مرحله تازه ای در تاریخ کردان است. چنانکه در فصل پیش گفتیم تشکیل این دولتها از روی اصول حقوق عمومی غرب صورت نگرفته است. همه خصوصیات این دولتها از جمله ماهیت قدرت مرکزی، الصاق قسمتهای مختلف مملکت به هم، صلاحیت و میزان مسئولیت مقامات محلی، و حتی مرزهای سیاسی، از زمان سلطنت یک شاه به شاه دیگر بی اندازه متغیرند، چه رسد به دوره های بین سلطنت سلسله ها و در مدت جنگها و غیره که شاید بیش از دوره های عادی حکومت پیش می آیند.

خلاصه، در محیطی آن چنانی کردها هر طور که دلشان میخواد سازمان می یابند و با این وضع هر ج و مرج شدید می سازند. در اینجا هم سلسله های "مستقل" و درجه اول **شرفنامه** در مد نظرند، و هم فئودالهای درجه دوم که ظاهراً با پیوند تبعیت از دولت مرکزی و یا بطور ساده با روسای عشایر کم و بیش نیرومند اداره می شوند. در بین فئودالها، کتاب **شرفنامه** از اینها نام میبرد : 1 - والیان اردلان ؛ 2 - حکام هکاری (شنبوها) 3 - حکام عمادیه (بهدینان) 4 - حکام جایره (که سه شاخه اند : عزیزیان، گورگیل، و فینک ؛ 5 - حکام حسن کیف. این فئودالها سکه می زدند و وامی داشتند تا به نامشان خطبه بخوانند. دسته سوم شامل عده زیدی از خوانین کم اهمیت تر است، و دسته چهارم تنها شاهزادگان بیتلیس را دربر می گیرند که خود مولف **شرفنامه** نیز یکی از ایشان است.

ضمناً در قضاوت درباره کردان از نظر سیاسی نباید زیاد سختگیری کنیم، زیرا مکتبی که کرد در آن بار آمده هیچ یک از آن اصول لازم برای درک صحیح حقوق و تکالیفش در برابر دولت را به او تلقین نکرده است. مولتکه (مکتوب ... صفحات 277-279) به حق اظهار عقیده می کند که کرد عشیرت در برابر سه نظامی که پایه و اساس یک جامعه ملی مدرن هستند، یعنی : خدمت نظام اجباری، پرداخت مالیات و گمرک، سخت مستکف بوده است.

به هر حال ، دخالت حکومت مرکزی در امور داخلی کردان در ترکیه از زمانی آغاز شد که دولت عثمانی در 1683 در برابر دروازه های وین شکست خورد . از جمله سلطان سیمان یک فرماندار کل به دیار بکر فرستاد که میبایست رابط بین فئودالهای کرد با قسطنطنیه باشد . چنانکه ثریا بدرخان (در کتاب سابق الذکر) اشاره می کند بعد ها " تفرقه بینداز و حکومت کن " با توفیق معمول ادامه یافت ؛ امیرنشینان کرد تبدیل به ایالات ترک شدند و برای روسای عشایر تنها یک خودمختاری اسمی باقی ماند . این وضع در نیمه های قرن نوزدهم ، در زمان سلطان عبدالمجید به منتهای شدت خود رسید . آخرین تلاش مقاومت کردان از آن شاهزاده بدرخان جزیره در 1847 بود که پس از یک سلسله شکستهای پی در پی که به ترکان وارد آورد ولی بر اثر خیانت پسر عمویش از پای درآمد .

در ایران ، شاهزادگان فئودال اردلان که تنها روسای مستقل کرد باقیمانده پس از انقراض سلسله هزار اسپان لر بودند ، بتدریج امتیازات خود را از دست دادند ، و سرانجام در 1860 یک شاهزاده قاجار جای ایشان را گرفت .

بطوریکه حزن نیز در آثار خود ، از جمله در کورد و نادرشاه و ناوادرانی کوردان (نامداران کرد) می نویسد در دوران فترت در قرن هیجدهم ، که نشانه آن جنگهای نادرشاه با آخرین شاهزادگان خانواده صفوی و درگیری شدید بین قاجارها و بختیارها و افشاریها و زندیه بود ، کردها نیز در این گیرودارها فعالانه داخل شدند . کامیابی ایشان در کسب قدرت با شخصیت کریمخان زند (1760 - 1769) که فرمانروایی عادل و انسان صفت و هنردوست بود ، متأسفانه چندان نپائید و دنباله پیدا نکرد .

در میان شخصیتهای تاریخی کم نفوذتر ، حزن تصویر جالبی از کردی به دست می دهد به نام : میر محمد (میر سوران) که در آغاز قرن نوزدهم (1229 تا 1254 هجری) با یک لشکر 30000 نفری در رواندوز حکومت کرد . در این باره که آیا میر دستور داده بود به نامش خطبه بخوانند یا نه اشاره ای نشده است ولی منقول است که سکه بنام خود می زد . این امیر با فتح سرزمینهای کردنشین قلمرو حکومت خود را در مغرب تا نصیبین و ماردین (به استثنای موصل و سلیمانیه) گسترش داد . در سال 1826 اعلام استقلال کرد و با دولتهای ایران و مصر روابط سیاسی برقرار نمود ؛ لیکن از جانب عثمانی سروکارش با محمد پاشا اینجه بیرقدار و مصطفی رشید پاشا دیپلماتی افتاد .

این امیریکی از چهرهای عجیب فئودال کرد بود که توانست از هرج مرج حاصل در عثمانی بر اثر شورش پاشای مصر استفاده کند . مولتکه نقل می کند که چگونه در آن اوان بابعالی می کوشید کرد ها را به زور به زیر پرچم بکشاند تا لشکر خود را در برابر شورشیان تقویت نماید . **پایان** .

Chia.rabii@yahoo.com

2009/06/25

مالمو سوئید .

ادامه دارد :

7 . دوره سوم تاریخ کرد : از نیمه های قرن نوزدهم تا جنگ بزرگ ،

الغای نظام ملوک الطوائفی در ترکیه و ایران .